

WRITTEN BY
KATIE COOK

ART BY
ANDY PRICE

COLORS BY
HEATHER BRECKEL

LETTERS BY
NEIL UYETAKE

EDITS BY
BOBBY CURNOW



پونی کوچولو دوستی جاودانه

قسمت هشتم

مترجم و گرافیسٹ: Diablos
ایمیل: hniazpoor@yahoo.com

Special thanks to Erin Comella, Robert Fewkes, Joe Furfaro, Heather Hopkins, Pat Jarret, Ed Lane, Brian Lenard, Marissa Mansolillo, Donna Tobin, Michael Vogel, and Michael Kelly for their invaluable assistance.

IDW® Licensed By:
Hasbro
Watch The Hub
Check out Hubworld.com

www.IDWPUBLISHING.com

IDW founded by Ted Adams, Alex Garner, Kris Oprisko, and Robbie Robbins

Ted Adams, CEO & Publisher
Greg Goldstein, President & COO
Robbie Robbins, EVP/Sr. Graphic Artist
Chris Ryall, Chief Creative Officer/Editor-in-Chief
Matthew Ruzicka, CPA, Chief Financial Officer
Alan Payne, VP of Sales
Dirk Wood, VP of Marketing
Lorelei Bunjes, VP of Digital Services
Jeff Webber, VP of Digital Publishing & Business Development

Facebook: [facebook.com/idwpublishing](https://www.facebook.com/idwpublishing)

Twitter: [@idwpublishing](https://twitter.com/idwpublishing)

YouTube: [youtube.com/idwpublishing](https://www.youtube.com/idwpublishing)

Instagram: [instagram.com/idwpublishing](https://www.instagram.com/idwpublishing)

deviantART: [idwpublishing.deviantart.com](https://www.deviantart.com/idwpublishing)

Pinterest: [pinterest.com/idwpublishing/idw-staff-faves](https://www.pinterest.com/idwpublishing/idw-staff-faves)



MY LITTLE PONY

The IDW logo is

coincidental. WI

IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork.



© 2014 HASBRO and its logo, MY LITTLE PONY, and all related characters are trademarks of Hasbro and are used with permission. © 2014 Hasbro. All Rights Reserved.

Trademark office. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial Offices: 5080 Santa Fe Street, San Diego CA 92109. Any similarities to persons living or dead are purely

for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. Printed in Korea.

ریتی اپل جک
و
سفر پُر ماجرا



اه، این دیگه
کیه؟

مامان بزرگ، اون
نامه رسونه.



آدم بدردنخور.....



سیب چین‌های عزیز پونی ویل، ما داشتیم از سیب‌های
خوش طعم شما می‌گفتیم که یه ایده به ذهنمون رسید.
ما تصمیم گرفتیم تا محصولات شما رو به دسرهای مغازه
خودمون اضافه کنیم. می‌تونید برای صحبت در باره این
معامله به شهر ما بیاید؟ منتظر شما هستیم.

امضا، پرتقالی‌های
ساحل غربی.



توسعه تجارت، چه عالی! با
فروختن سیب‌هامون در غرب،
پول کافی برای تعمیر مزرعه
فراهم می‌شه.



دیروز...



می تونم امروز سوار قطار بشم و تا فردا عصر به جنگل سیب برسم. بعد با پرتقالی ها صحبت کنم و مثل برق برگردم. مامانی، یه پیغام بفرست و خبر بده که من می رم.

یک ماه که زمان زیادی نیست. باید تعداد سبدهامون رو بشمارم و انبار رو بررسی کنم تا مطمئن بشم که راکون ها اون جا لونه نکرده باشن.

عجله نکن، عزیزم. سیبها تا ماه دیگه نمی رسن.



یه طویله بساز.

اه... چشم.



چند نمونه از سیبها مون رو همراه خودم می برم. فقط یه کیف می خوام و بعد می رم جنگل سیب.



این کیف به ما کمک می‌کنه تا نشون‌های زیبایمون رو بگیریم.



باید برم از ریتی یه کیف پشمی بگیرم. از این کیف‌ها خیلی داره.

نوبت منه!



آهای ریتی، یه کیف اضافه داری به من قرض بدی؟ باید به جنگل سیب برم و...

جنگل سیب؟! اون‌جا خونه چند تا از بزرگ‌ترین ستاره‌های اکواستریا است. باید من رو هم همراه خودت ببری! می‌تونیم باهم بریم. تو پیاده‌روی ستاره‌ها، اثر سم خودمون رو با اون‌ها مقایسه کنیم. از بازار مال فروشان خرید کنیم. به دنیای اسب‌ها بریم!



البته، ولی باز می‌تونیم خوش بگذرونیم.

ریتی، دارم به یه سفر کاری می‌رم.

FLUMP!



باشه. فقط باید سبک سفر کنیم.

من کتاب "جذایب‌های اکواستریا" رو پیدا کردم.

نه. این کتاب همین‌جا می‌مونه.





قطار به توقف چهار ساعته در شهر سالت لیک داره. ما می‌تونیم یکم استراحت کنیم و یه چیزی بخوریم...

برنامه حرکت قطار



اوه! شهر سالت لیک! بهترین پارچه‌های کشمیر رو اون‌جا می‌بافن. از ایستگاه قطار دور نیست. می‌تونیم بریم اون‌جا و برای قطار بعدی برگردیم.

پارچه؟



اپل جک، پارچه کشمیر! اون رو از بهترین کرک بزغاله‌های کشمیر می‌بافن.

من از بزغاله‌ها خوشم می‌آد. می‌تونم اون بزغاله‌ها رو نوازش کنم؟ اون‌ها که دلخور نمی‌شن؟



تا ایستگاه بعدی چند ساعت راه مونده. یه چشم بند می‌خوای؟ یا یه نازبالش؟

تحلیل چی؟

نه، باید روی طرحم برای ارایه به پرتقالی‌ها فکر کنم. مامان بزرگ اسمیت گفته که پونی‌های شیک جنگل سیب عاشق طرح‌های کاری شیک هستن.

من «هاای» عاشق یه تحلیل بازار خوب هستم. اگه کمک خواستی بگو.



چند ساعت بعد...

به شهر سالت لیک خوش اومدین. قبل از حرکت دوباره قطار یکم وقت دارین. چرا به گردش نمی‌رین؟

اگه بشه اون گلوله توپی رو از این جا دید... چقدر بزرگه؟

باشه. باید قبل از حرکت قطار برگردیم. قطار بعدی تا فردا حرکت نمی‌کنه. پس باید به موقع برگردیم.

می‌ریم گلوله کاموا رو می‌بینیم و زود برمی‌گردیم.



اوه، اون جاست. بزن بریم.



بهش نگاه کن. فکر کن چند تا پلوور می‌شه از اون بافت.

تو بافتنی بلدی اما من نیستم. اصلا نمی‌دونم که مامان بزرگ اسمیت چطور پلوور می‌بافه.



اپل جک، عالی. باید این نوشته رو در باره پارچه کشمیر و ابریشم بخونی.

عالی، آره!

ابریشم رشته‌های نخ رو محکم می‌کنه.



اوه! این جا نوشته که از اون توپ می‌شه ۳۰۰۰ پلوور بافت. نمی‌دونم منظور شون ژاکت کش باف بوده یا ساده.

فکر کنم پلوور ساده. بیشتر ساده دوست دارم تا طرح‌دار.

می‌خوام یه چرتی بزنم ×هاای× هر وقت خواستی بریم، بگو.

آخرین نمونه شناخته شده از نخ تاییده

اپل جک،
بیدار شو.

باید بریم. انقدر سرگرم
بافندگی و قلاب دوزی شدم
که زمان از دستم رفت. قطار
داره می‌ره. باید بریم.

چی؟ چطور این
اتفاق افتاد؟

تقصیر من نبود.
تو خوابت برد.

خوابم برد چون
این جا خیلی خسته
کننده است.

اوه! چطور جرات کردی؟
این جا محشره.

کجاش محشره؟ بجنب!
قطار اون جاست. بهش
می‌رسیم.

تو مطمئنی
که...

البته که مطمئنم.
این باید قطار ما باشه.

مسافر
سفر به خیر



اوف! رسیدیم!



آهای پونی‌ها! به موقع رسیدین. این قطار به سیدل می‌ره.

سیدل؟! ما به جنگل سیب می‌ریم.



اون قطار ۱۵ دقیقه تاخیر داره. انگار اشتباه سوار شدین. نگران نباشین. امشب به سیدل می‌رسیم. فردا صبح می‌تونین سوار قطار بعدی بشین.



فردا صبح!!



سیدل! اگه بریم اون‌جا، می‌تونیم نمایش پرش با قایق و اسکی روی آب تماشا کنیم.



تازه می‌تونم در تهیه طرح کاری به تو کمک کنم. می‌تونم یه نگاهی به طرح تو بندازم؟

من کمک نمی‌خوام. نمونه‌های سیب و طرح آماده هستن. می‌خوام بخوابم تا امروز به پایان برسه.



اون اکثر اوقات خیلی خوش اخلاقه. فقط الان یکم اضطراب داره.

فردا صبح

باورم نمی‌شه که من رو آوردی این‌جا. اگه دوباره به قطارمون نرسیم، خودم کوک تک تک لباس‌هاش رو باز می‌کنم و پارچه‌هاش رو می‌ریزم دور.

هیس هیس! ما هنوز خیلی وقت داریم. از منظره لذت ببر. تازه یه تاکسی هم خبر کردم که بیرون در منتظر ماست.

دریاچه آبی

تاکسی

تاکسی سرویس
خورشید طلایی

و برای تو یکی از اون کلاه‌هایی که دوست داری، خریدم تا سرت بگذاری و خوشحال باشی.

انگار تموم شد. بیا بریم.

نمی‌فهمم چرا این قدر عجله می‌کنی. هنوز آتیش بازی تموم نشده.

سر من خیلی شلوغه، اما معنیش این نیست که نمی‌تونیم از سفرمون لذت ببریم. ولی خیلی وقت داریم تا به قطار...

ما به سفر کاری اومدیم. خودت این کاره‌ای پس می‌فهمی چی می‌گم.

هر بار همین اتفاق می‌افته.

برسیم...



باید پیاده بریم.

نیمه پر لیوان رو بین.
لااقل امروز برای
پیاده روی روز خوبی!

فکر کنم باید
قایق می گرفتیم.



باید یه سرپناه پیدا کنیم.

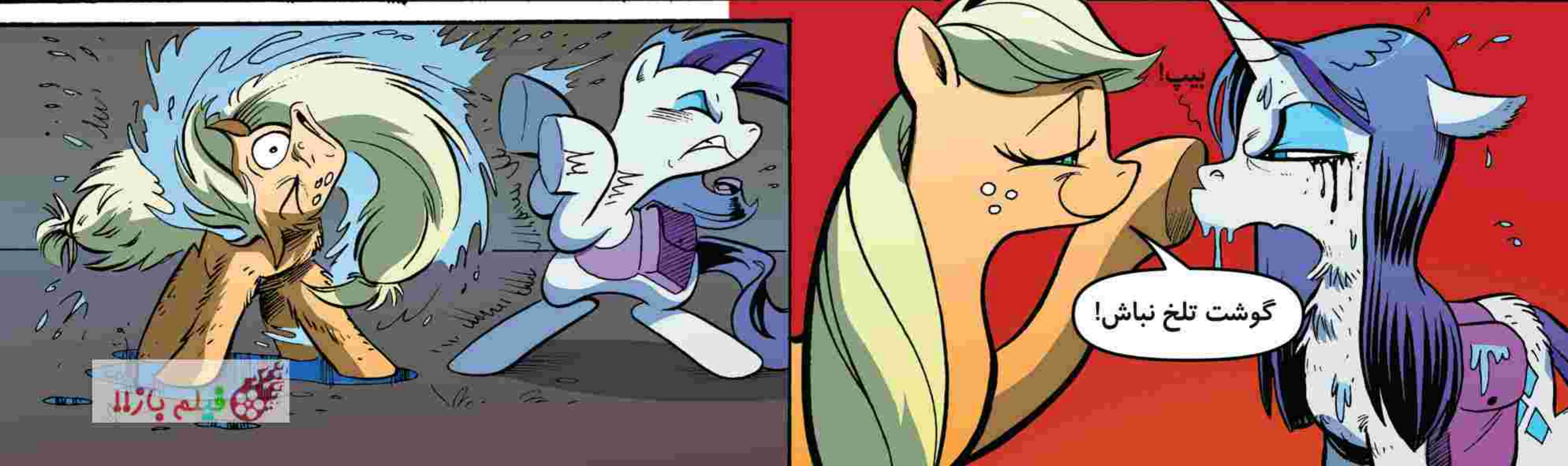
درست می گی. یه
ساختمون اون جلو
هست!



خانوم پر افاده،
این منزل خوبه؟



اپل جک، این قیافه رو به
خودت بگیر. می بخشم
چون می دونم خیلی گوشت
تلخی.



گوشت تلخ نباش!

پوف، باید
همین جا بمونیم تا
بارون بند بیاد.

تو می تونی روی طرح
فروشت کار کنی. نمودار
تصویری طراحی کردی؟
اگه می خوای یه جدول
فروش کلوچه بکشی، من
چند تا ماژیک دارم.

چی؟ من که
کلوچه نیاوردم.
فقط سیب آوردم...

مدتی بعد...

آهای، ریتی!
بلند شو. بارون
بند اومده.

نه، مامان. اون لباس
آستیندار خوب نیست...

برنامه فروش
سیب

اون بیرون پر از گل و شله.
اما باید راه بیفتیم تا قطار دوم
رو از دست ندیم.

یااااااااااا

می تونیم از این
طیاره استفاده
کنیم!

اها! اها! این
دیگه چیه؟

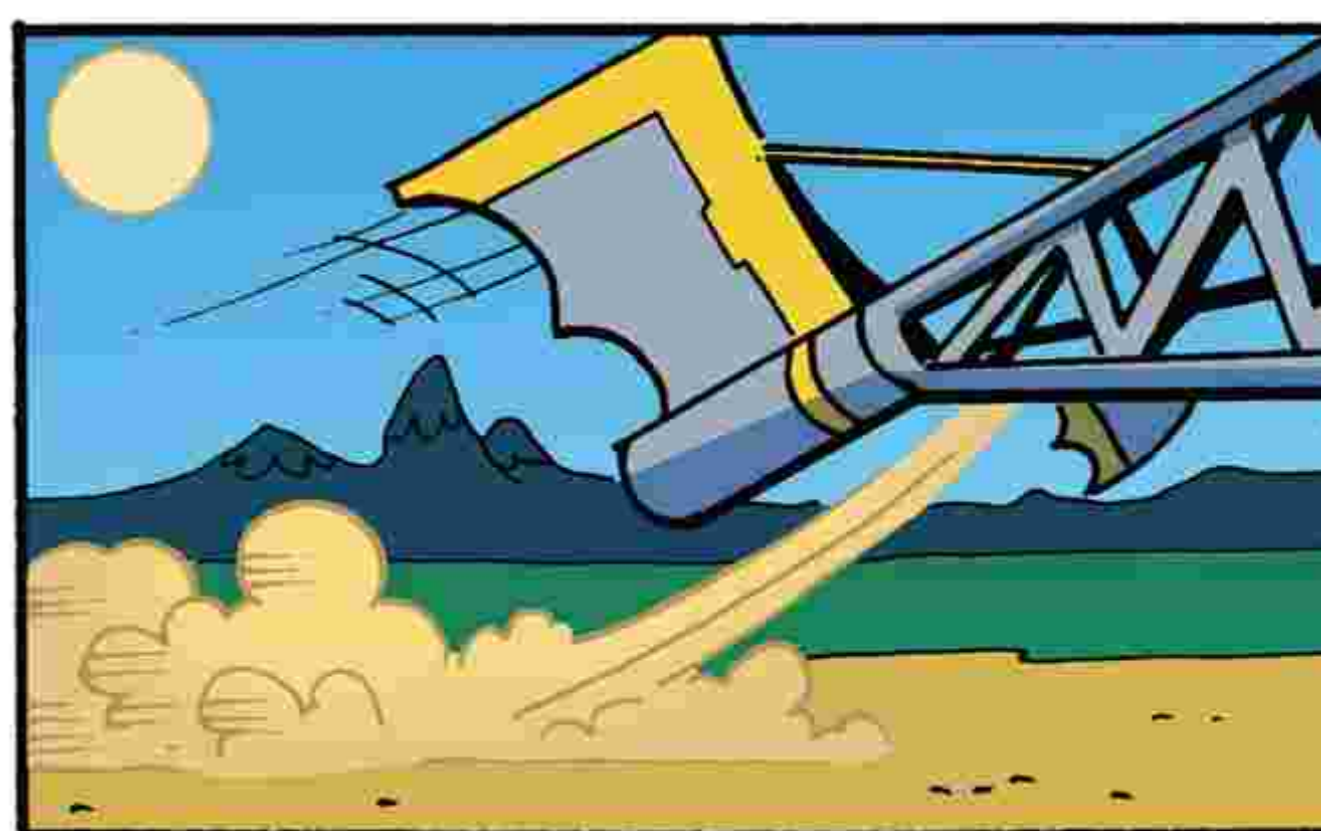
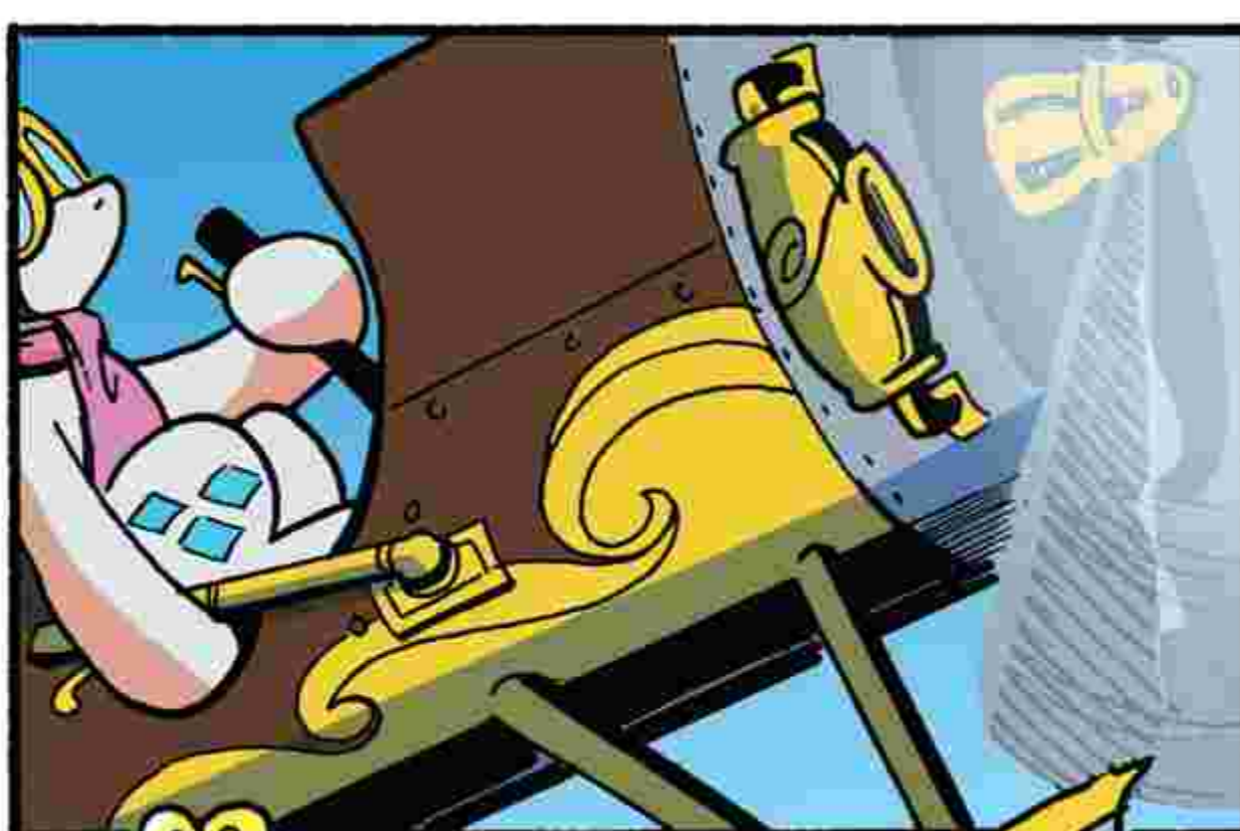
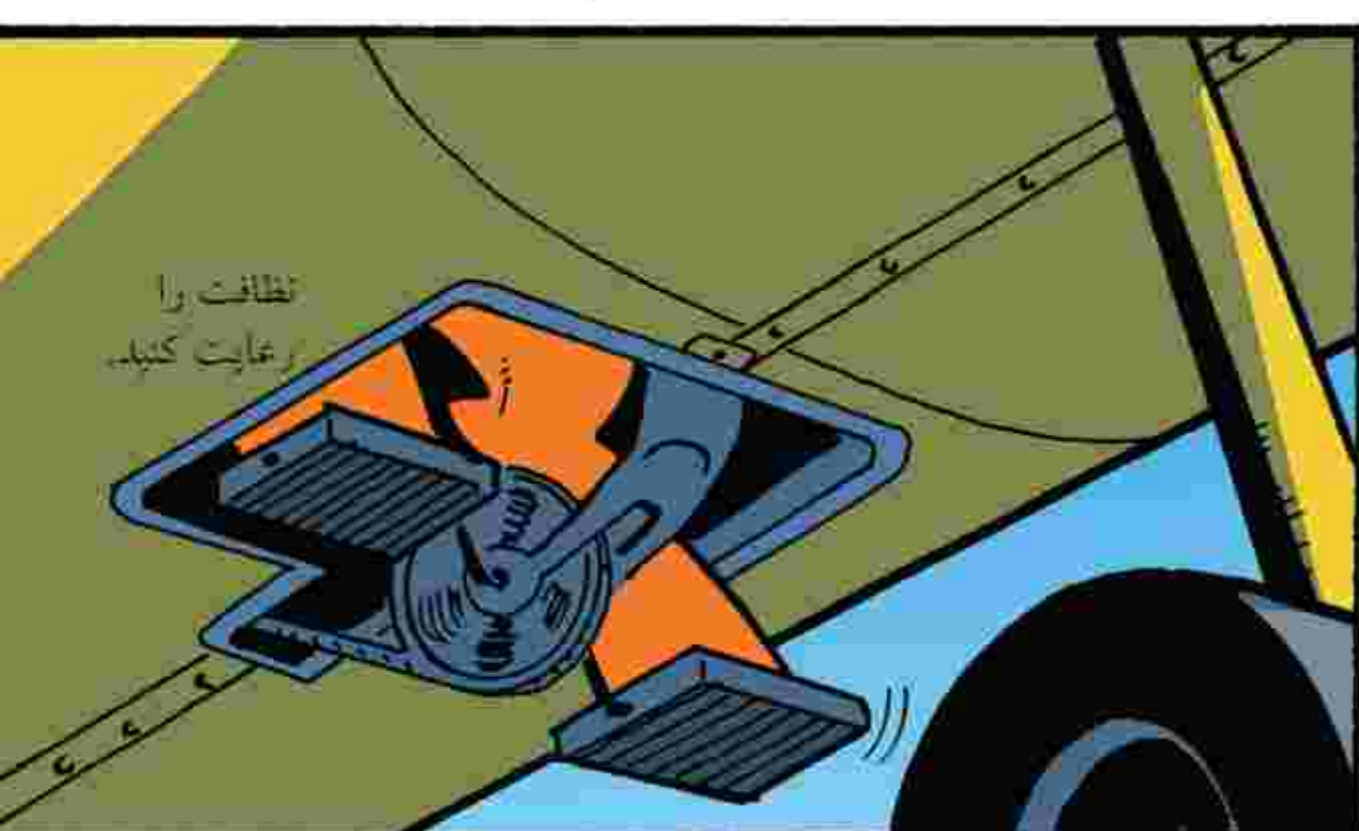


فکر می کنی این
غراضه بتونه ما رو به
جنگل سیب برسونه؟

البته. اون طرح های روش
کار هواپیما رو ندیدی؟
مثل باد به اون جا می رسمیم.



باشه. بزن بریم تا
به قرارم برسیم.



هنوز نگفتی که
قرارت چه ساعتی
هستش؟

چی؟ من به مامان بزرگ
اسمیت گفتم تا اون ها رو
خبر کنه.

به مادرم گفتم که به راه
ساده تر هم هست، اما قبول
نکرد.



تو زمان قرارت رو
مشخص نکردی؟

ما به خانواده ایم.
مثل تو که لباس
دوزی نداریم...



خنده داره! این فقط مربوط به
تجارت نیست، بلکه به ادب ربط داره.
اگه قرار نداری، پس چرا عجله داری؟
این طوری لازم نبود که نصف کشور
رو زیر پا بگذاریم.

اوه!... شاید بجای جیغ
و داد، بهتر باشه که
فرمون رو بچسبی.



می تونم هر دو کار رو باهم انجام
بدم. باید در مورد رسوم تجارت
صحبت کنیم. اگه بخوای به عنوان
یه پونی شاغل موفق باشی باید...

باید مسیرمون
رو عوض کنیم.

اپل جک، تمرکز کن.
در باره مسیر حرف
نمی زنم.



چمدون هام!

سیب هام!

پرنسس توایلیت اسپارکل
بخاطر این بهم ریختگی
ما رو ببخشید.

سکوی تماشا



?

ریتی، سفت
بچسب!



خبر خوب اینه که کتابم سالمه!
بین! من این کوه تاریخی رو
برای بازدید علامت زدم.



کوه تاریخی! پس داشتیم در
جهت اشتباه پرواز می کردیم?!
نnnnnnnنه!!

برای اضافه کردن مجسمه
ملکه کریسالیس، این برگه را امضا کنید.

Queen Chrysalis



اون پایین به شهر هست. باید بریم و آدرس پرسیم.

شالگردنت رو بده به من، لطفا.

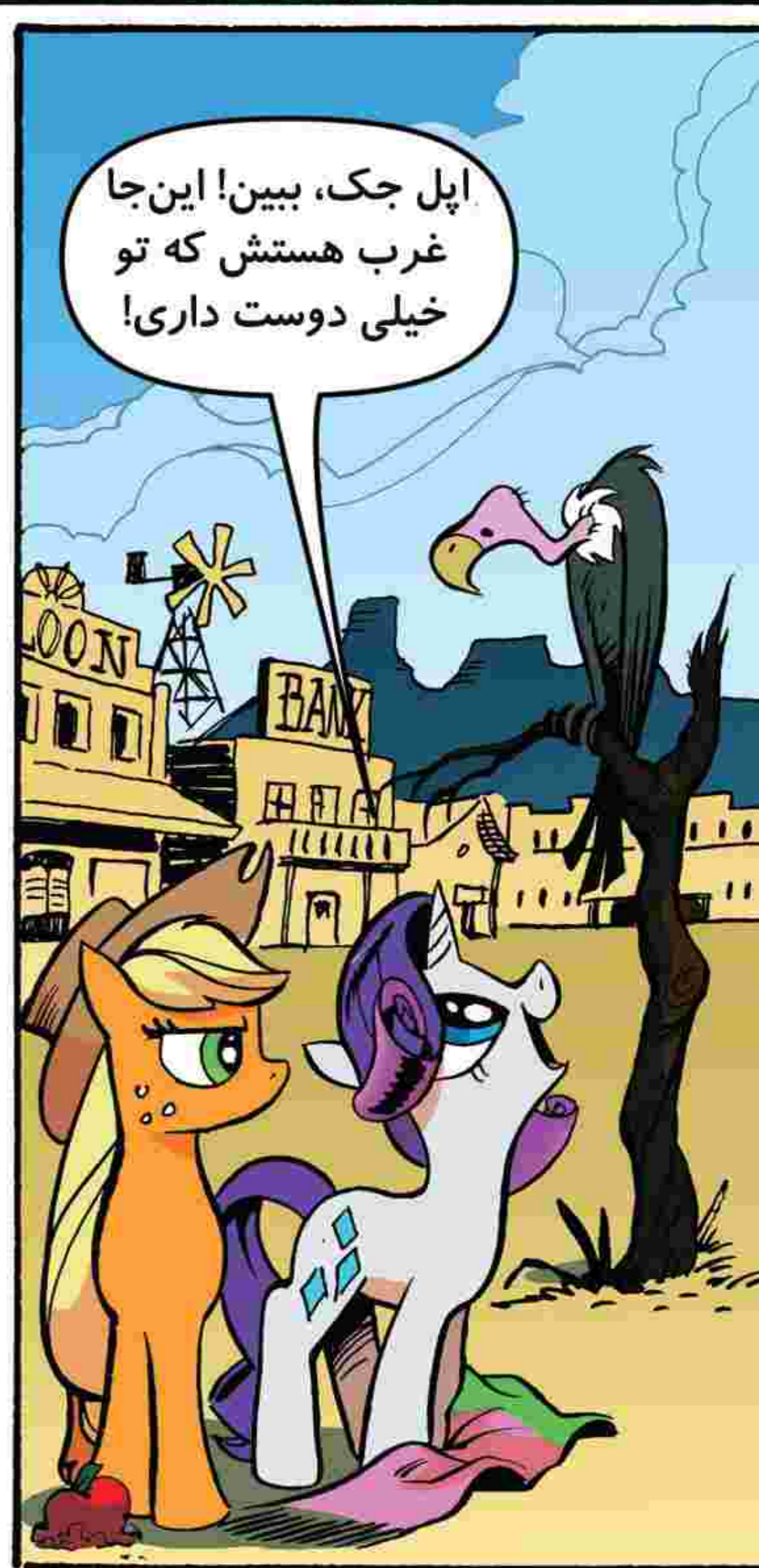
خانوم باهوش و خوشتیپ، چطوری بریم پایین؟

؟



بین این هوای پاک چقدر نشاط آورده!

دیگه هیچ سیبی برای ارائه به خریدارها باقی نمونه.



اپل جک، بین! این جا غرب هستش که تو خیلی دوست داری!



حالا باید به کالسکه کرایه کنیم که ما رو به شهر بعدی برسونه. از اون جا هم به جنگل سیب می ریم.

باشه.



ما باید به نزدیک ترین شهری که خط راه آهن داره، بریم.

باید به سان فرانسیسکولت برین. از اون جا تا جنگل سیب راهی نیست. اگه کمک کنین تا من آماده بشم، خودم شما رو می رسونم.

اپل جک به شما کمک می کنه. اون همه چیز در باره کالسکه، ارابه و پادوهای زحمتکش می دونه.



اون دوست
تو هستش؟

بگی نگی!



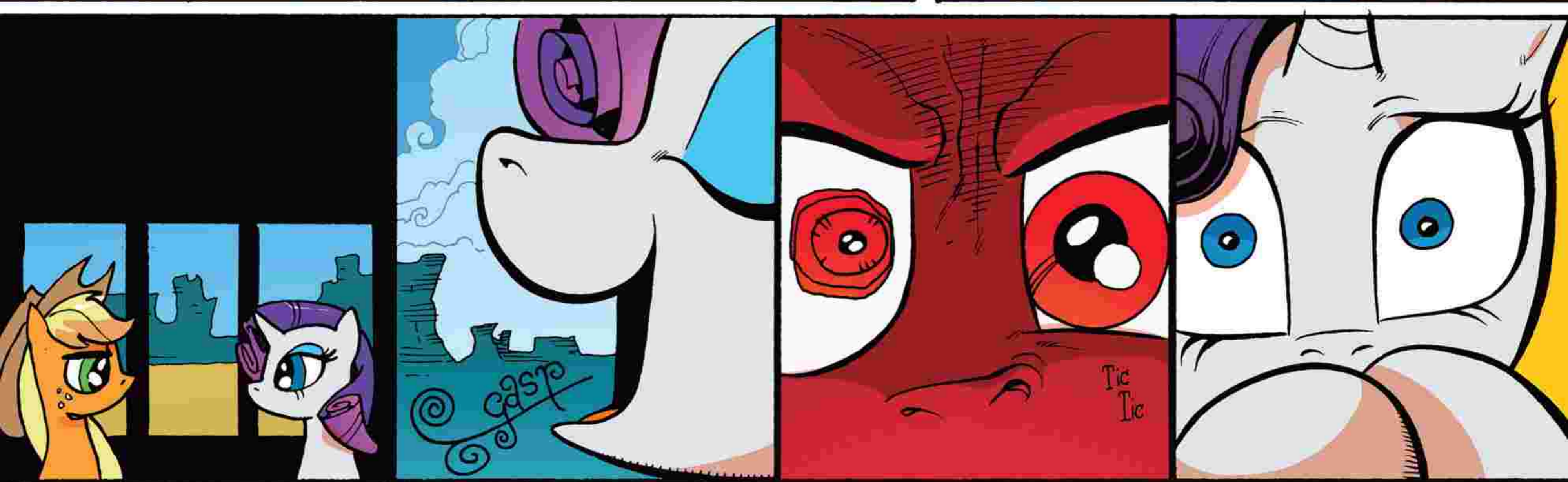
حالا فقط باید بشینیم و
از یه سواری آروم لذت
بیریم.

شاید بتونیم از پنجره چند
مکان دیدنی رو تماشا کنیم.
اوه! قراره از کنار
بزرگ‌ترین...



گفتم سواری آروم!

FLOOMP



gasp

Tic
Tic

gasp



خانواده براون این‌جا
زندگی می‌کنن، درسته؟
ای کاش می‌شد...

حرف نزن!

اون دیگه
چی؟

THANK

جرسی خوفناک

داک هفت تیرکش

بوفالو تره

آنگوس شاخدار

کینگ شاه

فيلم بازاا

THUNK





پونی‌ها، مواظب باشین. این‌ها گانگسترهای گروه کتل خشمگین هستن. می‌خوان به ما دستبرد بزنن.

اوه! کوتاه بیا!

عجب دسیسه‌ای! عالی!

پول‌هاتون رو رد کونین بیا!



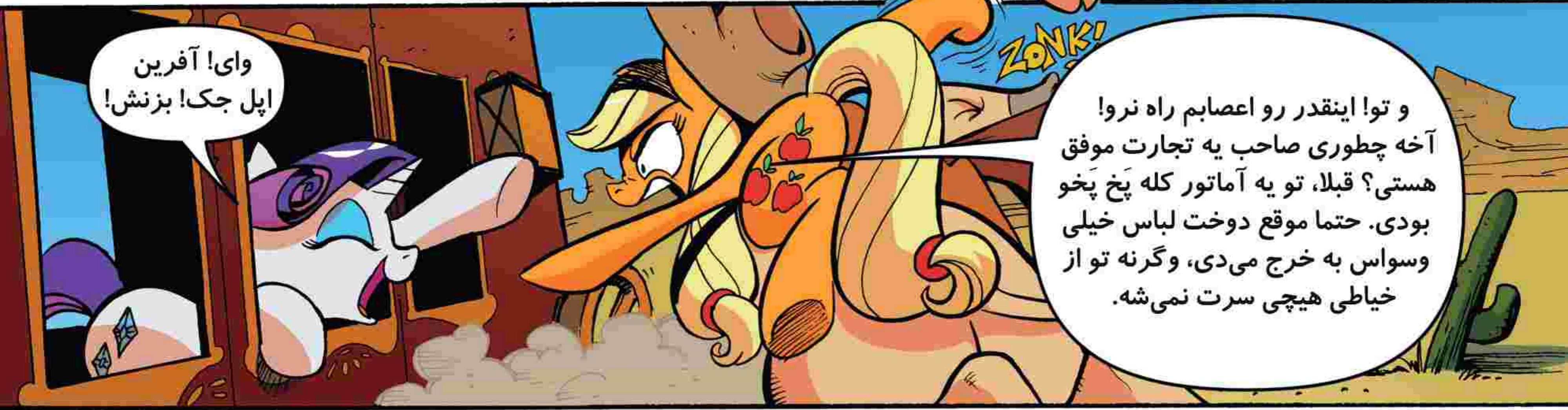
ما هیچی نداریم، آخه پول‌هامون تو چمدون‌ها بود. حالا چیکار کنیم؟ اون‌ها که به یال‌های من کاری ندارن، دارن؟ می‌خوان بفروشنش؟ اوه! ابل جک، نگذار که یالم رو بدزدن.

GAAAAAAAAAAAAHHHHH!



بخاطر تاخیر دوباره تنبیهت می‌کنم.

آهای!



وای! آفرین ابل جک! بزنش!

و تو! اینقدر رو اعصابم راه نرو! آخه چطوری صاحب یه تجارت موفق هستی؟ قبلا، تو یه آماتور کله پخ پخو بودی. حتما موقع دوخت لباس خیلی وسواس به خرج می‌دی، وگرنه تو از خیاطی هیچی سرت نمی‌شه.

ZONK!



حرفت رو پس بگیر!

هرگز!



آخه یه دست و پا چلفتی مثل تو چرا می‌خواد به جنگل سیب بره؟ تو هیچ کاری برای ارائه پیشنهادات انجام ندادی.

طرح پیشنهادی من زیر کلاه منه!

!?



اون رو بخون و بیاموز.

فروش سیب؟ این دیگه چیه؟!

یعنی چی؟ اون طرح بدون نقصه.

طرح فروش سیب



پس طرح‌ها کجا هستن؟ قرارداد فروش کو؟ توضیحات رو کجا نوشتی؟ کی قراره این ارائه تصویری رو انجام بده؟

ارائه چی چی؟ همه می‌دونن که سیب چیه. اون‌ها فروشنده هستن.



اصلا نمی‌دونستم که تو هیچی سرت نمی‌شه. بجنب! باید به جایی پیدا کنیم تا من بتونم کاغذ و قلم و کارت‌های رنگی فراهم کنم. بیا!

و یه چیز دیگه... صبر کن... چی؟



ولی ما از دست همدیگه عصبانی هستیم. چرا کمکم می‌کنی؟

پوف! ما که فقط حرف زدیم. ایل جک، دوست‌ها مدام دعوا می‌کنن. بیخیال شو تا به یه کار مهم‌تر برسیم.

شما پونی‌ها حرف ندارین!

داغون شدم!

آخ! مردم!



تندتر برو. ما کار داریم. بعدا حسابت رو می‌رسم.

باشه. رو چشم!

شما نمی‌دونین که ما کی هستیم. دوباره برمی‌گردیم.

بازار

ایستگاه قطار

به سان فرانسیسکو
خوش آمدید

من که نمی فهمم. تو همیشه یه پونی احساساتی بودی. همیشه دیدم که خیلی دستپاچه بودی و عجله داشتی. اما این چند روز خیلی آرام بودی...

من فقط زمانی که لازم باشه، به قول تو، عجله دارم. تو گفته بودی که روی این طرح کار کردی. من هم فکر کردم همه چی روبراهه.

باید بیشتر دقت می کردم. مثل احمقها باعث شدم که از قطار جا بمونی.

ریتی، من هم عذرخواهی می کنم. از اون قطارها یا تاکسیهای داغون شده، بارون یا سقوط هواپیما، تا اون دزدهای سرگردنه، هیچ کدوم تقصیر تو نبود. من حق نداشتم از دست تو عصبانی بشم. تو یه پونی شاغل، ماهر و خوب هستی.

طرح فروش سیب

APPLEWOOD

فقط می خواستم به سرعت کارها رو انجام بدم و برگردم خونه. دوست ندارم از خونم دور بمونم.

اپل جک، هیچوقت یه عذرخواهی جانانه رو رد نکن.

عذرخواهی تو قبوله.

فقط همین؟ من حرفهای بدی به تو زدم.

فیلم بازا!



حالا می‌تونیم به تاکسی بگیریم و بریم به دیدار خانواده پرتقال. این چطوره؟

چطوره که اول نهار بخوریم؟

نهار؟ نباید اول به اون جا بریم؟

بهتره یکم گردش کنیم.

تاکسی

SUNGLA

سرزمین اسب‌ها

ویلهم خرگه

المر عقابه



سرزمین اسب‌ها!

درب ورودی

توجه: لطفا اشیاء خود را هنگام ورود تحویل دهید.



میدان جدید اسب

به:

- ↑ سرزمین آب‌ها
- ↑ تپه بازی
- قصر اشباح
- رستوران مرداب
- نقره‌ای



سرزمین اسب‌ها!

من که گفته بودم مریض هستم

دکتر لوپر در این جا آرمیده است.

اصطبل اشباح



سرزمین اسب‌ها!

شهر موسیقی خرس مرداب



سرزمین اسب‌ها!

قلوپ! قلوپ!

جنگل بارانی کلوپ کرجی



آرررره! سرزمین اسب‌ها!

دزدان دریایی کارائیب

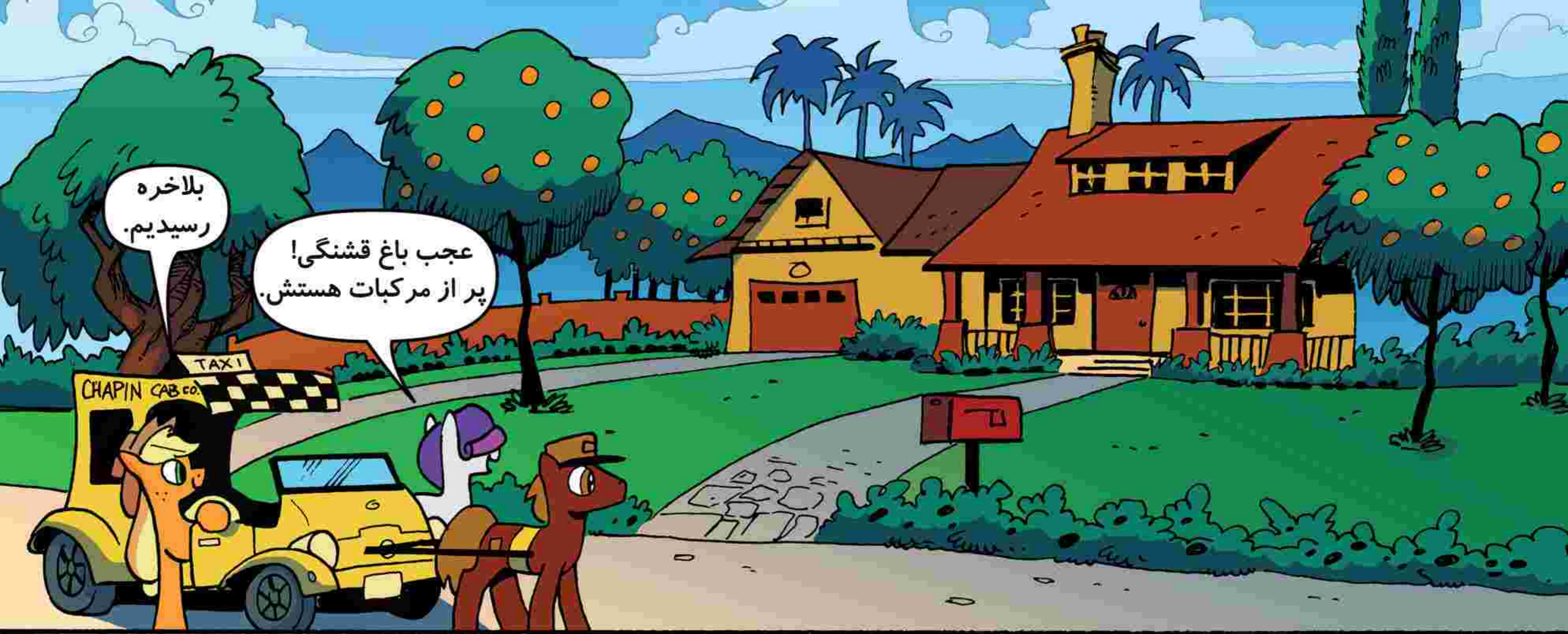


یه بار دیگه به کوهستان نایتمون بریم؟ خیلی خوش می‌گذره.

اول سوار کشتی اسکاتلندی‌ها بشیم.

رعایت نظافت نشانه شخصیت شماست.

فیلم بازا!



بلاخره رسیدیم.

عجب باغ قشنگی! پر از مرکبات هستش.



ریتی، باز هم متشکرم. تو دوست خوبی هستی.

بهترین دوستان!



اپل جک! خوش اومدی! اما این جا چیکار می کنی؟



من... ما... تو نامه نوشته بود. گرنی اسمیت به من این طور گفت.

من اصلا نمی فهمم که در باره چی حرف می زنی؟



کار... همسفر... دوست؟

بیا تو. خانواده کیل با خودشون نهار آوردن. از دیدنت خوشحالم. اسم دوستت چیه؟

اوه! من عاشق این جا هستم.

اما... اما... طرح های فروش...

همان زمان در پونی ویل...

فکر کنم نوشته ساحل شرقی،
نه ساحل غربی...

جشن رقص اکواستریا

ما به

رفتیم.



اپل جک: به درس
جدید یاد گرفت...



ریتی: در شغل خودش
مرتکب اشتباه شد.



اپل بلوم: نتونست در پرش طول
نشون زیبایی خودش رو بگیره.



CHICOLTED
THAT TROTTING TOWN



پیگ مک: به طویله نو ساخت.



باگه همه چیز اشتباهه، به این
دلیله که تو راحت رو اشتباه رفتی.



کسی عینک
من رو ندیده؟

پیگ مک: طویله رو خوب نساخته
بود پس مجبور به دوباره کاری شد.

گرنی اسمیت: برای معاینه چشم
پزشک وقت گرفته.



غریبه: اون غریبه‌ای که اپل جک و ریتی
رو رسونده بود، ماجراهای زیادی در
غرب تجربه کرد. خیلی جاها رو ساخت.
نامش با احترام و ترس یاد می‌شد.
اون اسبی خود ساخته بود...
البته این به داستان دیگه است.



نگهبان بزرگ‌ترین توپ کاموایی: می‌خواد بدونه
که با استفاده از اون توپ کاموا چند جفت
جوراب بافته می‌شه.



صاحبان هواپیما: وقتی به مرزعه
برگشتن، خیلی متعجب شدن.



خانواده پرتقال در منهن:
هنوز منتظر اپل جک هستن؟



فیلم بازل

یک روز از زندگی وینونا

STORY AND ART BY
KATIE COOK

COLORS BY
KATE CARLETON

